

### متن پرسش

با سلام. در سوال ۵۶۰۶ یک آقای پاسخ‌هایی به یک خانمی داده بودند. باید عرض شود که اولاً ایشان هیچ دلیلی اقامه نکردند که مخالفت زنان با زن دوم ریشه‌ی حسادت دارد و فقط نظر خودشان را گفتند، لذا ما هم می‌توانیم مثلاً بگوییم چون مردان تنگ‌نظر هستند نمی‌توانند ببینند زنشان از مرد دیگری تعریف می‌کند. که البته این طور نیست نه در رابطه با زن و نه در رابطه با مرد. ثانیاً ایشان فرموده‌اند که منابع فقه کتاب و سنت و ... است و اگر بنا باشد .... ، درحالی که "نگاه" مهم است، با نگاه زمان شناسانه به زعم آن خانوم، به این منابع ممکن است نتایج دیگری گرفته شود. ایشان هم نگفتند که باید منابع فقه را تغییر داد، می‌گویند باید با نگاه زمان شناسانه به این منابع نظر کرد. متأسفانه بعضی افراد به جای این که به حرف و معنای آن توجه کنند و پاسخی برای آن بیابند با نگاه انحراف‌یابی و برجسب‌زنی به صحبت افراد می‌نگرند. در سوال ۵۵۷۹ درمورد زمانه‌ی امروز بحث شده نه کل تاریخ که آقای سوال ۵۶۰۶ فرمودن ایشان به نواب‌خاص و فقهای کل تاریخ لعن کرده‌اند! . اما استاد عزیز، ذکر چند نکته خالی از لطف نیست. خوب است بدانید من با همسرم ساعت‌ها درمورد این مسئله صحبت کردیم که واقعاً ببینیم حقیقت چیست. در پاسخ به سوال ۵۵۷۹ چند نکته مطرح فرمودید. نکته‌ی اول فرمودید این که اگر مردی برای ازدواج مجدد احساس واجب شرعی کند، ترک واجب جایز نیست. استاد سر این اصلی که فرمودید بحث نیست. بلکه ترک واجب جایز نیست اما صحبت آن است که امروزه، شرایط زمانه به گونه‌ای است که هرگز شرط این اصل محقق نمی‌شود که نتیجه‌اش یعنی واجب بودن ازدواج مجدد محقق شود. این حرفی که می‌زنم نتیجه‌ی ساعت‌ها تأمل و بحث با افراد صاحب‌نظر هست. شما یک شرایط خاصی را مثال بیاورید که ازدواج مجدد واجب باشد. بنده و دوستان هرچقدر می‌اندیشیم به حالتی دست پیدا نکردیم. از آن جا که بنده هنوز به این نتیجه نرسیدم که حرف زدن با کسانی که زن دوم را حلال می‌دانند، بی‌نتیجه است، سعی می‌کنم منظورم را تبیین کنم. یک جمله‌ای مطرح کردید که از شما بعید می‌نماید. فرمودید: "با این همه وقتی کارشناسان خطر آینده‌ی کشور ما را پیرشدن جامعه می‌دانند و این‌را خطری حتی بزرگ‌تر از مشکلی که جنگ برای ما به‌بار آورد پیش‌بینی می‌کنند و تأکید معظم رهبری در تلاش برای تولد فرزندان بیشتر است و خداوند نیز دختران و زنانی را پروریده است که در صورت ازدواج با آن‌ها این مشکل برطرف می‌شود، آیا نباید در این مورد هم تأمل نمود؟". و از مقام معظم رهبری هم در این کلامتان خرج فرمودید. این حرف شما از زوایای مختلف قابل اشکال است. مقایسه اجمالی بین شرایط جنگ و شرایط امروز از زاویه‌ی مطرح‌شده در این سوال: آسیب جنگ این می

شود که تعداد مردان از زنان کمتر می شود. لذا اگر مردان چند زن نگیرند جمعیت کثیری از زنان مجرد باقی می ماند پس آسیب جنگ در تحقق نیافتن اصل ازدواج است. اما پیرشدن جامعه به دو دلیل است اولاً به دلیل این که به خاطر شرایطی که غرب به ما تحمیل کرده خیلی اوقات ازدواجی محقق نمی شود که بچه ای در کار باشد. حداقل خود من ده تا پسرخاله دارم که چون پول ندارن سنشون بالا رفته ولی ازدواج نکردن. خب کسی که برای ازدیاد نسل ازدواج مجدد می کند و همسر اولش را دق می دهد پولی که بناست خرج ازدواج مجدد برای ازدیاد نسل کند به این افراد کمک کند تا با ازدواج اولشان هم زن بگیرند هم بچه داشته باشند. اما دلیل دوم پیرشدن جامعه ، نه به ازدواج بلکه به غربی شدن هرچه بیشتر جوامع برمیگردد. یعنی ازدواج صورت گرفته اما تعداد بچه ی حاصل از ازدواج کم است. پس با ازدواج مجدد مسئله حل نمی شود چرا که ازدواج مسئله ی کمبود نسل را حل نکرده است بلکه مسئله ی اصلی تبعاتی است که غربی شدن جامعه بر ما تحمیل کرده است. باز خیلی ها هستند که به خاطر موانعی که مهم ترینش موانع مادی است بچه دار نمی شوند خب به جای ازدواج مجدد برای افزایش نسل ، به افرادی کمک کنن که به خاطر پول نداشتن بچه دار نمی شن. یک نمونه اش خود ما هستیم که اگه یکی دو میلیون پول داشتیم انقدر برای بچه دار شدن دو دل نبودیم و تا الآن بچه دار شده بودیم . خیلی از دوستان من هم همین طورند. طلاب امروزه شرایط سختی دارند ، آدم های خدانشناسی که با ازدواج مجدد می خواهند نسل زیاد کنند یک اطلاعیه بزنند که مثلاً حاضرند برای افزایش نسل هزینه ی زایمان و ... را به مدت یک سال برای یک زوج طلبه که واقعا نیازمندند را تأمین کنند. البته این فقط یک پیشنهاد است و من خیلی روش فکر نکردم . پیشنهادهای خیلی زیاد دیگری هم می شود مطرح کرد برای کسانی که به خاطر ازدیاد نسل ازدواج مجدد می کنند. ساده ترین پیشنهاد همین است که کمک کنند تا زوج هایی که فرزند ندارند بچه دار بشن یا کسانی که نتوانستند ازدواج کنند ، را به هم برسانند تا زوج جدید بچه دار شوند. خودتان قطعاً راه های بهتری هم به نظرتان می رسد ولی همه ی منظور بنده این هست که شما را متوجه کنم دچار چه اشتباه بزرگی هستید و متأسفانه خیلی ها رو در اجتماع آدم می بینه که هوس بازی می کنند به اسم این که پیامبر چند زن داشتند. اما اگر فقها با نگاه زمان شناسانه "مثلاً" این حکم ابتدایی را می دادند که " ازدواج مجدد حرام است مگر در شرایطی که شهوت به مردان غلبه کند و در این صورت با اجازه ی حاکم شرع ازدواج مجدد بلامانع است" و در صورت نیاز چند تبصره هم به آن اضافه می کردند . در این صورت دیگر شهوت رانی به اسم اسلام نمی شد. مردی که ازدواج مجدد می کرد برای خود و همسرش واضح بود که به خاطر شهوت رانی دست به این کار می زند. درحالی که شخصاً موارد زیادی در دوستان دیدم که به اسم اسلام و تکلیف شرعی، شهوت رانی می کنند و مشکلات زیادی را برای خود و خانواده و فرزندانیشان ایجاد می نمایند. شاید در مثال های بنده انقلت بیاورید لطفاً اگر اصل حرفم درست است بپذیرید. مثال ها را فقط برای این آوردم که منظورم واضح تر بشه. در انتها عرض کنم که بنده قصد پایین آوردن جایگاه مراجع را ندارم و اگر در جایی حرفی زدم که موجب این شده عذر می خوام و به

صحبت بنده با نگاه علمی بنگرید نه نگاهی که از موضع دفاع از مراجع برآید. بیایید با هم بیاندیشیم تا در شناخت حقیقت این موضوع به هم کمک کنیم. عنایت داشته باشید که در سوال ۵۵۷۹ هم اصل مسئله ی ازدواج مجدد را انکار نکرده اما بحث روی شرایط امروز به لحاظ تاریخی و منطقه ای است چرا که قضاوت نسبت به تاریخ گذشته و مناطق دیگر، بیشتر از این ها اطلاعات می خواهد. با تشکر که وقت خود را در اختیار بنده و دوستان می گذارید.

#### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که در جواب سؤال شماره ی ۵۶۲۷ عرض کردم نباید موضوع را کش داد، تنها جواب جنابعالی را منعکس می کنم تا شرایط تفکر بیشتر در این موضوع به صورت همه جانبه فراهم شود هرچند در بعضی موارد با نظر جنابعالی موافق نیستم. البته موضوع به این سادگی ها هم نیست که هرکدام بر وجهی که در ذهن داریم تأکید کنیم و نسبت به نکته ای که طرف مقابل فکر کرده سریعاً بگذریم. موفق باشید